

امام چگونه مذاکره می کرد؟

۱۴ بهمن ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۳۶

امام با بی‌اعتنایی در برابر رویکرد آمریکا، که خواستار حفظ نظام سلطنتی و اجرای برنامه‌های سلطه‌گرانه‌ی خود بود، با قاطعیت از تشکیل شورای انقلاب و حکومت اسلامی سخن راند و انقلاب را به بهترین شکل خود، هدایت نمود.

رهبری، یکی از سه رکن اصلی انقلاب‌های کلاسیک را تشکیل می‌دهد. در انقلاب اسلامی نیز رهبری امام خمینی (ره)، عامل مهم و کلیدی در پیروزی انقلاب بود. ایشان با مدیریت و رهبری صحیح انقلاب، آن را به مقصد رساندند. از ویژگی‌های مهم مدیریتی امام این بود که در تمام دوره‌ها، به‌خصوص در دوران تبعید، با تاکتیک‌های مبارزاتی خاص، به رسالت رهبری خود پرداختند. در این رابطه، ایشان در طول مبارزات خود در تبعید، به سه کشور وارد شدند.

اولین بار در پی اعتراض به لایحه‌ی کاپیتولاسیون به ترکیه هجرت کردند، از آنجا به عراق رفتند و در نهایت مدت چهار ماه در نوفل‌لوشاتو فرانسه حضور داشتند. در این بین، تبعید آخر ایشان از اهمیت زیادی برخوردار بود. امام در نوفل‌لوشاتو دیدارهای وسیعی با بسیاری از افراد، گروه‌ها و حتی مقامات رسمی برخی دول خارجی داشتند. در این دیدارها، بسیاری از مواضع امام راجع به تحولات سیاسی و حکومت آینده‌ی ایران بیان گردید و از این رو، تأثیر مهمی بر روند انقلاب گذاشت. با توجه به اهمیت دیدگاه‌هایی که امام در این دیدارها بیان نمودند، در این نوشته، به تبیین تعاملات و بیانات ایشان و نقش آن در پیروزی انقلاب اسلامی می‌پردازیم.

امام در نوفل‌لوشاتو

ورود امام به کشور پاریس و اقامت در نوفل‌لوشاتو، دهکده‌ای در نزدیکی پاریس، گرچه در دوره‌ای کوتاه و در آستانه‌ی انقلاب اسلامی اتفاق افتاد، اما دیدار ایشان با بسیاری از افراد و گروه‌ها، تأثیر مهمی بر مدیریت و رهبری انقلاب داشت. در این دیدارها، امام با قاطعیت تمام، از مواضع خود در قبال حوادث ایران و آینده‌ی سیاسی کشور دفاع کرده و هدف نهایی انقلاب را برکناری شاه و استقرار حکومت اسلامی معرفی کردند.

دیدارهایی که امام در این دوره داشتند، علاوه بر دانشجویان و خبرنگاران، افراد و گروه‌های سیاسی، مقامات برخی از کشورها از جمله آمریکا، فرانسه و پاکستان را نیز شامل می‌شد، اما از آنجا که تأثیر دیدارهای ایشان با افراد و گروه‌های سیاسی و مقامات

کشورها تأثیر خاصی بر روند انقلاب داشته و از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است، به بررسی و تبیین این دیدارها پرداخته می‌شود.

دیدار با گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی

علاوه بر دانشجویان و خبرنگاران که علاقه‌مند به دیدار با امام بودند، بسیاری از گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی ایران به دیدار امام رفتند. از جمله‌ی این افراد می‌توان به شخصیت‌هایی چون آیت‌الله منتظری، محمد خامنه‌ای، آیت‌الله امینی، ابراهیم یزدی، دکتر کریم سنجابی، مهندس بازرگان، حسین مهدیان، حسن شریعتمداری، سید جلال‌الدین تهرانی و بسیاری از افراد سرشناس دیگر اشاره کرد.

برخی از این دیدارها از اهمیت زیادی برخوردار بود، زیرا بسیاری از مواضع بنیادین و مبانی اصیل فکری امام در رابطه با انقلاب و آینده‌ی ایران در این دیدارها بیان گردید. علی‌رغم آنکه برخی از این دیدارها با جریان‌های غیراسلامی و یا گروه‌هایی با آموزه‌های اسلامی کم‌رنگ صورت می‌گرفت. از جمله دیدار با اعضای جبهه‌ی ملی که معتقد به سلطنت شاه و نه حکومت کردن او بودند و یا کریم سنجابی، مهندس بازرگان و سید جلال‌الدین تهرانی که هریک به‌ترتیب نماینده‌ی جبهه‌ی ملی، نهضت آزادی و رئیس شورای سلطنت بودند. در ادامه، این دیدارها را به‌شکلی مختصر مورد تحلیل قرار می‌دهیم.

دیدار با دکتر سنجابی

دکتر سنجابی که به قصد شرکت در کنفرانس بین‌المللی سوسیالیست‌ها در کانادا به پاریس سفر کرده بود، موفق شد دو بار با امام دیدار کند. در دیدار اول، دکتر سنجابی بیشتر به تبیین مواضع جبهه‌ی ملی پرداخت. اما امام دیدار دوم خود با سنجابی را منوط به اعلام مواضع وی درباره‌ی شاه کردند، زیرا جبهه‌ی ملی به دنبال اجرای طرح «شاه سلطنت کند، نه حکومت» بودند. در واقع مسئله‌ی عمده نزد این گروه، دموکراسی و آزادی بود، نه سرنگونی شاه. درحالی‌که امام از اساس به دنبال تشکیل حکومت جمهوری اسلامی و سرنگونی رژیم پهلوی بود. ایشان با حضور شاه و سلطنت‌طلبان تحت هر شرایطی مخالف بودند و تنها به ادامه‌ی مبارزه تا سقوط رژیم سلطنت اعتقاد داشتند: «اگر این آدم را امروز شما مهلت دادید و گفتید سلطنت بکنید... البته می‌خواهد شما را بازی بدهد تا مردم ساکت شوند و ندای مرگ بر این سلطنت را فروکش کند.» [۱]

سنجابی با قبول شرط امام و تغییر مواضع خود، موفق به دیدار مجدد با امام شد. حاصل این دیدار به صدور و انتشار بیانیه‌ای سه‌ماده‌ای از سوی رهبر جبهه‌ی ملی منتهی شد که مورد تأیید امام نیز بود. انتشار متن بیانیه در برخی مطبوعات، شایعه ائتلاف امام و جبهه‌ی ملی را دامن زد. امام با رد این شایعه فرمودند: «متذکر می‌شویم که ما با هیچ جبهه و دست‌های رابطه نداشته و نداریم و هرکس و یا هر گروهی که مسائل ما را نپذیرد، او را نمی‌پذیریم.» [۲]

در واقع علت واکنش امام به این شایعه، علاوه بر اختلافات ایدئولوژیک امام با این گروه، به مشی مبارزاتی امام برمی‌گردد. بدین معنا که امام از آغاز مبارزات خود، زیر بیرق هیچ‌یک از احزاب سیاسی نرفته و همواره مستقل از دیگر جریان‌های سیاسی، مبارزات انقلابی خود را ادامه دادند. از طرفی گرچه بیانیه‌ی منتشرشده مورد تأیید امام نیز قرار گرفت، اما امام آن را امضا نکردند و این خود دلیلی است بر عدم پذیرش کامل این گروه.

دیدار با مهندس بازرگان

مهندس بازرگان از دیگر افرادی بود که در ۳۰ مهر ۵۷ در پاریس به دیدار امام رفت. در این دیدار، بازرگان بیشتر بر مبارزه با شاه و رژیم پهلوی تأکید داشت و معتقد بود در روند مبارزه «لبه‌ی تیز حمله فعلاً بهتر است به استبداد باشد، نه استعمار...» [۳] درحالی‌که امام به گفته‌ی مهندس بازرگان، با آرامشی که در باب قطعی بودن پیروزی انقلاب داشتند، به راحتی آمریکا را نادیده می‌گرفتند. مواضع امام و خونسردی ایشان در رابطه با آمریکا و هیچ‌انگاری آن، نشان از قاطعیت ایشان در مبارزه با استعمار و سیاست‌های آمریکا و نیز پیروزی انقلاب داشت. به همین دلیل، بازرگان پس از دیدار با امام عنوان کرده بود: «امام به شیوه‌ی مبارزه‌ی خود و پیروزی انقلاب آن‌قدر اطمینان دارد که با ما درباره‌ی پس از مرحله‌ی پیروزی سخن می‌گویند...» [۴]

دیدار با سید جلال‌الدین تهرانی

از شخصیت‌های سیاسی مهم دیگری که موفق به دیدار با امام در پاریس شد، سید جلال‌الدین تهرانی رئیس شورای سلطنت بود. این شورا برای حفظ رژیم سلطنتی در ایران تشکیل شده بود و در ۲۶ دی ۱۳۵۷ تهرانی به ریاست آن انتخاب شد. تهرانی بعد از تبعید امام به پاریس، با توجه تحولات کشور، تصمیم به ملاقات با امام گرفت. بنابراین برای مذاکره با رهبری انقلاب، وارد پاریس شد. اما امام عنوان نمود که با هیچ‌یک از نماینده‌های سلطنتی ملاقات نخواهم کرد و شرط استعفای وی از شورای سلطنت و اعلام غیرقانونی بودن شورا را جهت اجازه‌ی ملاقات صادر نمود. تهرانی نیز در اقدامی غیرمنتظره، استعفانامه‌ی خود را امضا و به امام تقدیم کرد. این استعفا علاوه بر آنکه ضربه‌ی مهلکی بر شورای سلطنت و رژیم پهلوی بود، قاطعیت امام در برابر رژیم پهلوی را نیز نشان می‌داد.

دیدار با مقامات دول خارجی

امام در دوره‌ای که در پاریس اقامت داشتند، علاوه بر دیدار با افراد و گروه‌های سیاسی ایرانی، با برخی از مقامات کشورهای خاص نیز ملاقات داشتند. از مهم‌ترین این مقامات می‌توان به چند عضو ارشد آمریکا، راسل کر نماینده‌ی مجلس عوام انگلیس، ریچارد کاتم استاد علوم سیاسی دانشگاه پیتزبورگ، نخست‌وزیر فرانسه و مذاکره با یکی از وزیران کابینه‌ی ضیاء الحق اشاره کرد. وجه اشتراک این افراد، عدم اطمینان آنان به پیروزی انقلاب و در مقابل، قاطعیت امام در مواضع و اندیشه‌های خود و سقوط رژیم پهلوی بود که به تشریح برخی از این دیدارهای مهم پرداخته می‌شود.

راسل کر، نماینده‌ی مجلس عوام انگلیس، از جمله افرادی بود که موفق به دیدار با امام شد. یکی از پرسش‌های اساسی وی از امام در رابطه با رژیم پهلوی این بود که آیا ایشان راه‌حل دیگری جز شاه می‌بینند؟ امام در پاسخ فرمودند: «هیچ امیدى نیست، ولو با اصلاح شاه، نه ملت و نه اسلام اجازه نمی‌دهد. جرائم رژیم شاه خیلی است.» [۵]

مذاکرات یکی از وزیران کابینه‌ی ضیاء الحق نیز با توجه به مأموریت وی حائز اهمیت است. به نظر می‌رسد این فرد که نامش نیز مشخص نیست، جهت وساطت میان شاه و امام، به دیدار ایشان رفته بود. امام در پاسخ به درخواست این فرد در رابطه با امکان وساطت دولت پاکستان، فرمودند: «قضیه‌ی شاه طوری نیست که قابل وساطت باشد. شاه با تمام قوا در طول سی و چند سال، ملت ایران را هم چپاول کرده است و هم جنایات فوق‌العاده وارد کرده است.» [۶]

مذاکره با مقامات آمریکایی نیز از دیدارهای مهم در پاریس بود. بعد از طرح مسئله‌ی اوضاع ایران در کنفرانس گوادلوپ، آمریکا اعلام کرد که «به دلیل وخامت و حساسیت اوضاع ایران، مفید می‌داند که نماینده‌ی رسمی دولت آمریکا با نماینده‌ای از جانب آقای خمینی ارتباط مستقیم داشته باشد.» [۷] علاوه بر این، دو نفر از جانب رئیس‌جمهور فرانسه، ژیسکاردستن، به دیدار امام جهت رساندن پیامی از سوی کارتر می‌روند. پیام کارتر به وضوح نشان می‌داد که از نظر آمریکا، «اولاً خروج شاه قطعی است. ثانیاً دولت آمریکا مصمم است دولت بختیار را حداقل در مرحله‌ی انتقال قدرت و بعد از خروج شاه از ایران تثبیت نماید. ثالثاً از خطر کودتای نظامی ارتشیان به‌عنوان یک مترسک در مقابله با حرکت ملت استفاده کند.» [۸]

امام در پاسخ روشن می‌کند که «اولاً آمریکا با یک شخص طرف نیست، بلکه با یک ملت طرف است. ثانیاً دولت بختیار ادامه‌ی رژیم شاه و سلطنت پهلوی است و ثالثاً کودتای نظامی و سرکوب ملت مؤثر نیست و کارساز نخواهد بود.» [۹] نتیجه‌ی فرایند انقلاب که به پیروزی قاطع ملت ایران و سقوط یکی از خشن‌ترین دیکتاتورهای زمان انجامید، خود بیانگر این است که پیش‌بینی‌ها و راهبردهای امام خمینی بیش از آمریکایی‌ها اثرگذار بود؛ آن‌چنان که توانست ایران را از چنگال یک رژیم وابسته برهاند.

نتیجه‌گیری

حضور کوتاه‌مدت امام در نوفل‌لوشاتو، این محل را کانون تجمع بسیاری از روشن‌فکران و دانشجویان ساخته و ماهیت انقلاب مردم و ایران را در جهان مطرح کرد. در دوران حضور و اقامت امام در پاریس، انقلاب در بحرانی‌ترین مرحله‌ی خود قرار داشت و امام ضمن وقوف کامل به این مسئله، در دیدار با افراد، گروه‌ها و مقامات سیاسی برخی دول خارجی، مسیر انقلاب را هدایت فرمودند. ایشان ضمن اعلام عدم وابستگی به حزب یا جناحی خاص، وجوه افتراق اندیشه‌های خود با آن‌ها را مشخص کرده و در دیدار و مذاکره با مقامات دول خارجی از جمله آمریکا، قاطعیت خود در رابطه با کناره‌گیری شاه و پیروزی انقلاب را بیان کردند. بدین ترتیب امام با بی‌اعتنایی در برابر رویکرد آمریکا که خواستار حفظ نظام سلطنتی و اجرای برنامه‌های سلطه‌گرانه‌ی خود بود، با قاطعیت از تشکیل شورای انقلاب و حکومت اسلامی سخن راند و انقلاب را به بهترین شکل خود هدایت نمود.

پی‌نوشت‌ها:

- [۱]. صحیفه‌ی امام، جلد چهارم، ص ۱۲۸، چاپ چهارم، ۱۳۵۸، سخنرانی ۲ آبان ۵۷.
 - [۲]. مصاحبه مجله‌ی المستقبل با امام خمینی، ۱۵ آبان ۱۳۵۷ (۶ نوامبر ۱۹۷۸) برگرفته از تاریخ سیاسی بیست‌وپنج‌ساله‌ی ایران، ج ۲، نجاتی، غلامرضا.
 - [۳]. خاطرات بازرگان: شصت سال خدمت و مقاومت: گفت‌وگو با سرهنگ غلامرضا نجاتی، تهران، نشریات ادواری، ص ۲۳۵.
 - [۴]. طباطبایی، فاطمه (۱۳۹۰)، اقلیم خاطرات، انتشارات عروج، چاپ اول، ص ۴۴۶.
 - [۵]. صحیفه‌ی امام، جلد ۵، ص ۶۹.
 - [۶]. همان، ج ۴، ص ۱۲۳.
 - [۷]. رجوع شود به متن مذاکرات نمایندگان امام و کارتر در نوفل‌لوشاتو.
 - [۸]. همان.
 - [۹]. همان.
- منبع: بهان

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۲۹۴۸۰/مذاکره-چگونه-امام/>